

## مقایسه و تطبیق ساختارهای گرامری در ترجمه‌های روسی قرآن بر مبنای آیه‌هایی از سوره‌های قرآن کریم

علیرضا ولی‌پور\*

استاد زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،  
تهران، ایران

شکوه قریشی\*\*

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،  
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۷، تاریخ تصویب: ۹۵/۰۲/۱۹، تاریخ چاپ: مرداد ۱۳۹۶)

### چکیده

اعجاز بلاغی، یکی از ابعاد اعجاز کتاب آسمانی قرآن است. محتوا و پیام این کتاب با فصاحت و بلاغت ویژه‌ای بیان شده است. همه باید بتوانند با محتوای این کتاب مقدس آشنا شوند. برای تحقق این هدف ما نیازمند ترجمه‌های دقیق و صحیح از این کتابیم هدف این جستار آن است که با بررسی دقیق ترجمه‌های قرآن به زبان روسی، امکان دستیابی به معنا و مقصود دقیق‌تر از قرآن را فراهم سازد. در این پژوهش بر آن بوده‌ایم تا از میان انواع ساختارهای دستوری و ساختارهای زبانی که بایسته است در فرایند ترجمه مورد توجه قرار گیرد، به ساختارهای «مفعول مطلق تأکیدی» و «حال» پردازیم. ما در جستجوی پاسخ به این سؤالیم که آیا می‌توان ساختارهای دستوری قرآن که به طور منظم و هماهنگ برنظام ویژه قرآن تجلی یافته را به هنگام ترجمه به زبان مقصد انتقال داد؟ برای پاسخ به این سؤال، مثال‌هایی از قرآن آورده‌ایم تا در بحثی مقایسه‌ای مشکلات ترجمه آن‌ها را بررسی کنیم. در گام بعدی، یعنی آن گاه که تمامی اطلاعات از مقایسه ترجمه‌ها فراهم آمد، می‌کوشیم به کمک یافت‌های خود از میان ترجمه‌ها، ترجمه دقیق‌تری را انتخاب کنیم. نتیجه‌ای که حاصل می‌شود، می‌تواند مبنایی برای توسعه تحقیقات آتی در گستره ترجمه ساختارهای دستوری قرآن کریم باشد.

واژه‌های کلیدی: ترجمه قرآن به روسی، ساختار دستوری، مفعول مطلق تأکیدی، مقایسه و تطبیق.

\* Email: alreva@ut.ac.ir

\*\* Email: ghoreishi@ut.ac.ir

## مقدمه

ترجمه عبارت از برگرداندن عناصر و ساختارهای متنی زبان مبدأ به معادل‌های آن در زبان مقصد است (با توجه به عوامل و شرایط برون زبانی)، به گونه‌ای که خواننده متن مقصد همان پیام و تأثیری را که خواننده متن مبدأ درمی‌یابد را دریافت کند (جوهری، ۱۳۸۸: ۸). «ترجمه یکی از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین فنون نویسندگی است؛ هرچند گروهی آن را بسیار ساده می‌پندارند. مترجم باید بر هر دو زبان مبدأ و مقصد، و محتوای متنی که می‌خواهد ترجمه کند، اشراف داشته باشد تا معانی را به طور کامل از لباس الفاظ زبان اول تهی سازد؛ سپس جامه دوم یعنی زبان مقصد را به طور کامل بر آن بپوشاند، به گونه‌ای که احساس نشود این کلام ترجمه از زبان دیگری است. و این کاری است بسیار دشوار که به ظرافت‌ها و ریزه کاری‌های فراوانی نیاز دارد.» (صمدی، ۱۳۹۰: ۲۲).

به اعتراف زبان‌شناسان، «زبان عربی نسبت به دیگر زبان‌ها از آن‌چنان جامعیت و واژگانی و ساختاری برخوردار است که در دیگر زبان‌ها مشابه آن یافت نمی‌شود، و همین امر است که کار مترجم را در برابری و ایجاد تعادل واژگانی و ساختاری با دشواری‌هایی روبرو می‌سازد. جامعیت زبان عربی را از دو جهت می‌توان پیگیری کرد: گستردگی و جامعیت واژگانی و جامعیت ساختاری (صرفی، نحوی و بلاغی)» (جوهری، ۱۳۸۸: ۱۸). «ترکیبات و ساختارهای نحو به عنوان روساخت قرآن و مضامین و مفاهیم والای آیات به عنوان زیرساخت آن، همدوش یکدیگرند که کهنگی ناپذیری و نوگرایی را در ذات خود دارند، و بر همین اساس، از عصر نزول تا عرصه قیامت در تمام دوران و برای تمام نسل‌ها تازه و پر طراوت بوده و خواهد بود» (عظیم پور مقدم، ۱۳۸۳: ۱۰۷). «اسلوب و شیوه بیان قرآنی در عین حال که موجب جذب و کشش اعراب گردید با هیچ یک از اسلوب و شیوه‌های متداول عرب شباهت و قرابتی ندارد. قرآن سبکی نو و روشی تازه در بیان ارائه داد که برای عرب بی‌سابقه بود و بعداً هم نتوانستند در چنین سبکی، سخنی بسرایند» (معرفت، ۱۳۸۰: ۳۸۸).

رعایت هماهنگی و یکسانی را می‌توان از ویژگی‌های ترجمه استوار و برجسته به شمار آورد. در پژوهش حاضر به بررسی ترجمه ساختارهای نحوی قرآن می‌پردازیم. از میان ساختارهای نحوی موجود ترجمه ساختار **مفعول مطلق تاکیدی** و **حال** را واکاوی می‌کنیم. بدین منظور ما چهار ترجمه معروف و پذیرفته شده از قرآن کریم به زبان روسی را انتخاب کردیم و سعی کردیم به بررسی ساختارهای زبانی آن‌ها بپردازیم. در این پژوهش به ترجمه‌های روسی معاصر از جمله ترجمه ایگناتی یولیانوویچ کراچکفسکی، م. نوری عثمانوف، والیریا

پوروخووا و المیر کولیف استناد شده است. در این جستار می‌کوشیم با توجه به اهمیت توجه به ساختارهای دستوری زبان، ضمن بررسی ترجمه‌های موجود و مشخص کردن تفاوت‌هایی ساختاری آنها به مشکلات ترجمه آنها نیز اشاره نماییم.

### پیشینه پژوهش

در ارائه پیشینه، تنها نکات برجسته و مرتبط با موضوع مقاله را مطرح خواهیم کرد. برای نخستین بار پیوتر واسیلیویچ پوستینکو قرآن را از روی ترجمه فرانسوی دوریه برگرداند که در ۱۷۱۶ در سن پترزبورگ در ۳۵۰ صفحه منتشر شد. میخائیل ایوانویچ وروکین در ۱۷۹۰ ترجمه جدیدی از قرآن را بر اساس ترجمه آندره دوریه، در دو جلد در سن پترزبورگ منتشر کرد. ویژگی ترجمه او ادبی بودن آن است تا جایی که این ترجمه در شمار آثار ادبی روسیه قرار گرفت تا آنجا که بر آثار الکساندر پوشکین تأثیر گذاشت مهم‌ترین ترجمه روسی قرآن از متن عربی، توسط سابلوکوف در قازان در دو جلد منتشر شد. از ترجمه‌های روسی معاصر ترجمه ایگناتی یولیانویچ کراچکوفسکی از اسلام‌پژوهان برجست روسی است که در ۱۹۶۳ به اهتمام یکی از شاگردانش، گریازنویچ با مقدمه بلیایف در ۷۱۴ صفحه در مسکو به چاپ رسید. چاپ‌های دیگر این ترجمه دو بار در ۱۹۹۰ در مسکو و یک بار در ۱۹۹۰ در باکو انجام گرفت.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ترجمه‌های جدیدی از قرآن صورت گرفت. از آن جمله می‌توان ترجمه والریا پوروخووا، محمد نوری عثمانوف و المیر کولیف را نام برد (رادفر، ۱۳۸۳). کراچکوفسکی برجسته‌ترین کارشناس زبان‌های سامی است که خاورشناسی روسیه تا کنون به خود دیده است، و همین دست توانای او در شناخت علمی واژه‌های قرآنی است که موجب شده تا ترجمه او از قرآن نه تنها به عنوان یکی از ترجمه‌های روسی قرآن اهمیت یابد، بلکه انتخاب‌های او در یافتن جایگزین غیر عربی برای واژه عربی قرآن و تفاسیر و تعلیقات او در حاشیه ترجمه، خود برای یک محقق قرآنی و برای هر کس که قصد ترجمه قرآن به زبانی دیگر را داشته باشد، بی‌شک منبعی پرارزش و غیر قابل چشم پوشی است. در بهره‌گیری از ترجمه کراچکوفسکی همواره این واقعیت را باید در نظر داشت که وی تلاشی تام مبذول داشته تا برداشت خود را از متن عربی قرآن بر پایه زبان‌شناسی تاریخی استوار سازد و از آنچه به اصطلاح «ترجمه سنتی» خوانده می‌شود و بر روایات و متون سنتی تفسیری تکیه دارد بپرهیزد (پاکتچی، ۱۳۷۷).

ترجمه گروه عثمانوف، توسط گروهی از آکادمیسین‌های روسیه و وابستگان مؤسسه خاورشناسی به ریاست م. نوری عثمانوف فراهم آمده است. با وجود این که ترجمه عثمانوف را باید در زمره ترجمه‌های مستقیم از زبان عربی قلمداد کرد، اما تأثیر ترجمه‌های فارسی قرآن و نیز ترجمه روسی کراچکوفسکی، در متن آن قابل توجه است و این نکته‌ای است که جز اشاره در مقدمه، از لا به لای ترجمه نیز احساس می‌شود. و نیز، همان گونه که در عنوان اثر بازتاب یافته است، در این ترجمه افزون بر متن عربی قرآن، تفاسیر نیز نقش مهمی داشته‌اند بنابراین می‌توان آن را ترجمه‌ای زبان‌شناختی - سنتی محسوب داشت (پاکتچی، ۱۳۷۷).

ترجمه والیریا پوروخووا آن گونه که مترجم خود مطرح کرده، از سوی جمعی از علمای کشورهای اسلامی مورد تأیید ضمنی قرار گرفته است. چنان که در صفحه عنوان کتاب مطرح شده، مترجم در این اثر، ترجمه‌ای مفهومی از قرآن ارائه کرده و چندان در قید ترجمه لفظ به لفظ و رعایت ظرایف زبان‌شناختی نبوده است. مترجم، با توجه به این که متخصص در زبان انگلیسی است و بی‌تردید استفاده وی از متن عربی قرآن محدود بوده است، چنان که خود در مصاحبه‌ای بیان داشته، در ترجمه قرآن کریم به طور جدی از ترجمه‌های انگلیسی آربری، پیکتهال و عبدالله یوسف علی سود برده است. ترجمه پوروخووا از نظر پردازش ادبی و آرایه‌های لفظی در سطحی قابل توجه قرار دارد و از این نظر نمونه‌ای منحصر به فرد به شمار می‌آید. پوروخووا، همان گونه که خود اشاره دارد، در شیوه ترجمه، بسیار در قید منعکس کردن چهره ادبی قرآن در عبارت روسی بوده و چنان اصراری بر به کارگیری شیوه‌های ادیبانه با آرایه‌های لفظی و معنوی دارد که کار او را از یک ترجمه پایبند به لفظ دور می‌سازد. متن روسی پوروخووا به طور چشمگیری به شعر نزدیک شده و در تنظیم عبارات سعی شده تا جملات روسی به صورت منقطع و در شکل مصراع‌های شعری خود نمایند. (پاکتچی، ۱۳۷۷). ویژگی بارز ترجمه المیر کولیف را نیز می‌توان پیروی از سبک تفسیری کراچکوفسکی دانست. کولیف نیز مانند پوروخووا سعی کرده است به هنگام ترجمه از منابع پیشین موجود استفاده کند. (Кулиев2002).

در اینجا این سؤال مطرح است که آیا ترجمه عناصر و ساختارهای آیات قرآن توسط این مترجمان تا حد امکان مشابه ساختارهای قرآن است یا خیر؟ آیا پس از کالبد شکافی آیات برای آشکار کردن ظرایف بیانی و عوامل مؤثر در ساختار و بیان، و بعد از اینکه ما نوع عنصر زبانی را مشخص کردیم، می‌توان گفت در این ترجمه‌ها برای آن عناصرها برابری مناسبی در زبان مقصد تعیین شده است یا خیر؟ امانت ترجمه متن مقدس ایجاب می‌کند که افزون بر انتقال

معنا، ساختارهای متن مبدأ و سبک آن نیز حفظ شود. آیا ساختارهای زبانی که به طور منظم و هماهنگ برنظام ویژه قرآن تجلی یافته را این مترجمان هنگام ترجمه توانسته‌اند حفظ کنند؟ در این مقاله می‌کوشیم علاوه بر پرسش‌های مطرح شده تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختارهای دستوری زبان عربی و روسی را برحسب ظاهر بررسی و واکاوی کرده و در حد امکان تطبیق دهیم.

### بحث و بررسی

#### ترجمه مفعول مطلق تاکیدی

عنوان مورد بحث یک ترکیب وصفی و مشتمل بر دو لفظ مفعول و مطلق است. در اصطلاح نحو مفعول مطلق، مصدری است که تأکید کننده عامل خود یا بیان کننده نوع یا عدد آن باشد (سیوطی، ۱۴۱۷: ۲۲۱)؛ مفعول مطلق تاکیدی مصدر مبهمی است که بر مجرد معنای آن اختصار شده و از ناحیه دیگر، معنایی به آن اضافه نشده است. در برابر آن، مصدر مختص است که از ناحیه یکی از امور گذشته، معنایی به معنای مصدر افزوده می‌شود که غرض از آن تأکید معنای عامل خود است؛ مانند: «ونزلناه تنزیلاً»؛ و آن را به تدریج نازل کردیم. در این آیه شریفه تنزیلاً مصدر مبهمی است که نزلنا را تأکید می‌کند (عباس، ۱۴۲۸: ۱۹۶). معادل ساختاری آن در زبان روسی متمم قیدی است. کیفیت ( обстоятельство образа действия ) می‌باشد. متمم قیدی کیفیت یکی از اجزای فرعی جمله است که در پاسخ به سوال‌هایی از قبیل چطور؟ چگونه؟ به چه شکل؟ به کار می‌رود:

نامَ نَوْمًا عَمِيْقًا. Он спал крепким сном.

مصدر مطلق تاکیدی از جنس فعل جمله برای بیان نوع و چگونگی وقوع فعل و یا تأکید بر آن به کار می‌رود:

جَلَسَ جُلُوسًا. Он сидел сидмя.

در ترجمه مفعول مطلق تاکیدی در زبان روسی از قید (наречие)، اسم (существительное)، قید فعلی (депричастие) و عبارت قید فعلی (депричастный оборот) و هم‌چنین عبارات قید تشبیه (сравнительный оборот) مانند «как» و «словно» و غیره استفاده می‌کنیم و هرگز شایسته نیست آن را به صورت لفظ به لفظ به روسی ترجمه کنیم.

حال به بررسی چند مثال می‌پردازیم:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ  
الْخَاسِرُونَ (سوره البقره، ۱۲۱)

کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم آن را خوانده و حق خواندن آن را (در مقام عمل نیز) بجا آورند، آنان اهل ایمانند و آنها که به کتاب خدا کافر شوند (و حق شناسی نکنند) آن گروه زیانکاران عالمند. (الهی قمشه‌ای)

**Э.Р.Кулиев:** Те, кому Мы даровали Писание и кто читает его **надлежащим образом**, действительно веруют в него. А те, которые не уверуют в него, непременно окажутся в убытке.

**М.–Н. О. Османов:** Те, кому мы даровали Писание и кто читает его **как должно**, они то и веруют в него. А те, кто отвергает его, - они-то и потерпят убыток.

**И.В. Порохова:** Те, для которых Мы послали Книгу, Читают ее **чтением достойным** — Они есть те, кто верует в нее. Но те, кто истину, что в ней, отвергнет, Урон тяжелый понесут.

**И.Ю.Крачковский:** Те, кому Мы даровали писание, читают его **достойным чтением** - те веруют в него. А если кто не верует в него - те будут в убытке.

در این ترجمه‌ها به بررسی ترجمه **مفعول مطلق تاکیدی** «حَقَّ تِلَاوَتِهِ» می‌پردازیم. کولیف، پوروخووا و کراچکوفسکی آن را به صورت اسمی در حالت بایی (творительном падеже) ترجمه کردند. حالت بایی بدون حرف اضافه در معنای قید کیفیت به کار می‌رود. حالت بایی در جمله می‌تواند نقش متمم قیدی را داشته باشد و به همین خاطر ترجمه کولیف، پوروخووا و کراچکوفسکی **تأکید** را مشاهده می‌کنیم. عثمانف به کمک عبارت قید تشبیه **تأکید** را می‌رساند. معنای نحوی در هنگام ترجمه به زبان دیگر بیشتر به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود. تمامی ترجمه‌ها قابل قبول‌اند اما اگر این نکته را که **مفعول مطلق تاکیدی** را که از جنس فعل جمله است در نظر بگیریم برتری ترجمه‌های پوروخووا و کراچکوفسکی نمایان می‌شود چرا که از ساختار مشابه ساختار زبان مبدأ بهره گرفته شده است و هماهنگی و یکسانی در آن رعایت شده است.

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا  
(الواقعه، ۴)  
آن گاه که زمین شدیداً به حرکت و لرزه در آید. (الهی قمشه‌ای)

**Э.Р.Кулиев:** Когда земля **сильно** содрогнется.

**М. –Н. О. Османов:** Когда дрогнет земля, **содрогаюсь**.

**И.В. Порохова:** И сотрясется (до глубоких недр) земля.

**И.Ю.Крачковский:** когда сотрясается земля **сотрясением**.

در این آیه کولیف با بهره‌گیری از «قید» تأکید را نشان داده است. عثمانف با استفاده از «قید فعلی» مفعول مطلق تأکیدی را ترجمه کرده است و کراچکوفسکی توسط «اسم در حالت بایی» بر فعل جمله تأکید می‌کند. تأکید نحوی در ترجمه پوروخووا به وسیله گروه واژه‌ای با معنای متمم قیدی ( обстоятельством значением словосочетанием с ) که بیانگر مرتبه ظهور فعل می‌باشد بیان شده است. بدین ترتیب، ترجمه‌ها از لحاظ معنایی به هم نزدیک می‌باشند. اما ترجمه کراچکوفسکی و عثمانف هماهنگی و همخوانی بیشتری با متن مبدأ دارند چرا که در این ترجمه‌ها مفهوم متمم قیدی با فعل مورد تأکید در این آیه هم ریشه است بنابراین در سطح بالاتری از یکسانی قرار دارد.

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً  
(الواقعه، ۳۵)  
که آن‌ها را ما در کمال حسن و زیبایی بیافریده‌ایم. (الهی قمشه‌ای)

**Э.Р.Кулиев:** Мы сотворим их **заново**.

**М. –Н. О. Османов:** **Вонистину**, Мы сотворили их (т. е. Супруг).

**И.В. Порохова:** И создали Мы им (напарниц) **Творением особым** (неземным).

**И.Ю.Крачковский:** Мы ведь создали их **творением**.

در ترجمه کولیف و عثمانف ما استفاده از «قید» را برای بیان کردن تأکید مشاهده می‌کنیم. در این ترجمه همسانی معنایی دیده نمی‌شود چرا که قیدها «заново»<sup>۱</sup> و «вонистину»<sup>۲</sup> معادل مصدر مطلق «إِنِشَاءً» که به معنای آفرینشی ویژه است نیستند و حتی قرابت معنایی

۱. دوباره

۲. حقیقتاً

ندارند. ترجمه تحت الفظی کراچکوفسکی نیز منجر به تحت الفظی شدن نحو آیه شده است. پوروخووا با استفاده از ساختار «صفت + اسم در حالت بایی» که همسانی معنایی نیز دارد ترجمه خود را قوت بخشیده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ترجمه پوروخووا از دیگر ترجمه‌ها موفق‌تر است چرا که هم قرابت معنایی دارد و هم بیانگر **مصدر مطلق تأکیدی** می‌باشد.

اگر مترجم خود را مجاز به تصرف در متن مبدأ و یا ساختار می‌کند، تنها بدین انگیزه است که محتوای متن مبدأ را دقیق‌تر بیان کند. برای هرچه دقیق‌تر ترجمه کردن متن مبدأ علاوه بر پیدا کردن مناسب‌ترین معادل‌ها، توجه به یکسانی ساختارهای گرامری نیز باید مورد توجه مترجم باشد. در اینجا می‌توان گفت که انتقال دادن پیام بدون توجه به ساختار متن مبدأ و معنای مشخص و متمیز آن نمی‌تواند حافظ ساختار و معنای پیام باشد.

از دیگر ساختارهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهیم داد ساختار «حال» (добавочное действие) است. «حال» در زبان عربی قیدی است نکره و مشتق که حالت فاعل یا مفعول را بیان می‌کند و توصیفی است که در پایان سخن می‌آید که معادل آن در زبان روسی «قید فعلی»، «متمم قیدی کیفیت» و یا «جمله مرکب همپایه» (сложносочиненное предложение) می‌باشد. با توجه به نقش نحوی و معنایی حال به بررسی ترجمه این ساختار در آیه‌های قرآن می‌پردازیم:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (سوره البقره، ۴۴)  
چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید و حال آنکه کتاب خدا را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟ (الهی قمشه‌ای)

**Э.Р.Кулиев:** Неужели вы станете призывать людей к добродетели, предав забвению самих себя, **ведь вы же читаете Писание?** Неужели вы не образумитесь?

**М.–Н. О. Османов:** Неужели вы станете призывать людей к добродетели, предав забвению свои [деяния], **ведь вы же [сами] умеете читать Писание?** Неужели вы не хотите призадуматься?

**И.В. Пороховой:** Ужель вы праведность и добродетель Предписываете лишь другим, а сами забываете об этом, **Хотя Писание (Господне) чтите?**



Ужель вам это не понять?

**И.Ю. Крачковский:** Неужели вы будете повелевать людям милость и забывать самих себя, **в то время как вы читаете писание?** Неужели же вы не образумитесь?

تمام مترجمان *حالت و توصیف آیه* را به صورت «جمله مرکب وابسته» ترجمه کرده‌اند. کولیف، عثمانف و پوروخووا به وسیله جمله مرکب وابسته که بیانگر تضاد با مفهوم استدراک (противопоставление с уступительным оттенком) است *توصیف* را ترجمه کرده‌اند. «متمم قیدی استدراک» اشاره به شرایطی دارد که علی رقم آن، فعل مذکور در جمله پایه صورت می‌گیرد. مقابله و تضادی که در جمله پایه و پیرو جملات مرکب با مفهوم استدراک بیان می‌شود، با جمله مرکب همپایه با مفهوم مقایسه، مقابله و تضاد همخوانی دارد. کراچکوفسکی با کمک «جمله مرکب وابسته با مفهوم هم زمانی» *حال* را توصیف می‌کند. با توجه به تعریف حال و نوع بیان آن به زبان روسی می‌توان گفت که ترجمه‌های کولیف، عثمانف و پوروخووا نسبت به ترجمه کراچکوفسکی برتری دارند چرا که *توصیف جمله* را در مفهوم «جمله مرکب همپایه» بیان کرده‌اند.

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (سوره البقره، ۹۲)  
و با آن همه آیات و معجزات روشن که موسی برای شما آشکار نمود باز گوساله پرستی اختیار کردید، و شما مردمی سخت ظالم و ستمکارید. (الهی قمشه‌ای)

**Э.Р.Кулиев:** Муса (Моисей) явился к вам с ясными знаменьями, но в его отсутствие вы стали поклоняться тельцу, **будучи беззаконниками.**

**М.-Н. О. Османов:** Пришел к вам Муса с ясными знаменьями, но в его отсутствие вы стали поклоняться тельцу допол, **и превратились в нечестивцев.**

**И.В. Порохова:** К вам Муса с ясными знаменьями пришел, Вы все же сделали себе тельца для почитанья, **Упорствуя в неверии своем.**

**И.Ю. Крачковский:** К вам пришел Муса с ясными знаменьями, потом вы взяли тельца после него, **будучи несправедливыми.**

برای ترجمه *حال* در این آیه باید جمله توصیف کننده فعل به صورت قید فعلی یا جمله

مرکب همپایه بیان شود. پوروخووا، کولیف و کراچکوفسکی توسط «قید فعلی» *حال* را ترجمه کرده‌اند و عثمانف به وسیله جمله مرکب همپایه. تمام ترجمه‌ها قابل قبول می‌باشند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ  
(سوره البقره، ۱۶۱)

آنان که کافر شده و به عقیده کفر مردند البته بر آن گروه، خدا و فرشتگان و مردمان همه لعن می‌فرستند. (الهی قمشه‌ای)

**Э.Р.Кулиев:** Воистину, на тех, которые не уверовали и умерли неверующими, лежит проклятие Аллаха, ангелов и людей – всех.

**М.–Н. О. Османов:** Воистину, тем, которые не уверовали и умерли неверующими, уготовано проклятие Аллаха, ангелов и людей – всех.

**И.В. Порохова:** На тех же, кто в неверии живет И умирает, будучи неверным, Лежит проклятье Господа и ангелов Его, И праведного люда (всего мира).

**И.Ю. Крачковский:** Поистине те, которые не веровали и умерли, будучи неверными, - над ними проклятие Аллаха, и ангелов, и людей - всех!

به هنگام برابر نهادن ترجمه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که کولیف و عثمانف *حال* را به صورت صفت فعلی (причастие) ترجمه کرده‌اند. مطابق توضیحات بیان شده، هماهنگی و یکسانی تنها در ترجمه پوروخووا و کراچکوفسکی رعایت شده است و به همین خاطر نسبت به ترجمه کولیف و عثمانف برتری دارند.

مُنَكِّمِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَّأَتْهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ  
(سوره الرحمن، ۵۴)  
در حالتی که بهشتیان بر بسترهایی که آستر آنها از حریر و استبرق است (در کمال عزت) تکیه زده‌اند و میوه درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنهاست. (الهی قمشه‌ای)

**Э.Р.Кулиев:** Они будут лежать, прислонившись, на матрацах, высланных снизу парчой, а свежие плоды этих двух садов будут склоняться низко.

**М.–Н. О. Османов:** Они возлежат на ложах, застланных парчой, а над ними плоды на ветвях, склоняющихся низко.

**И.В. Порохова:** И нежиться они там будут на коврах, Подшитых дорогой парчою, И к ним склоняться будут фрукты двух Садов.

**И.Ю. Крачковский:** Опираясь на ложа, подкладка которых из парчи, а сорвать плоды в обоих садах - близко.

در این آیه با توجه به توضیح‌هایی که بیان شد، ما تنها عبارت قید فعلی در ترجمه کراچکفسکی را می‌توانیم به‌عنوان ترجمه معادل بپذیریم. در سایر ترجمه‌ها *حال* به صورت جمله ساده بیان شده است که مورد پذیرش ما نیست.

#### نتیجه

در ترجمه متون مقدس با توجه به اهمیت این گونه متون، برقراری تعادل فقط با انتقال معنا و محتوا امکان‌پذیر نیست. در این متون ویژگی‌های ساختاری به همان اندازه که محتوای متن مقدس اهمیت دارد مهم‌اند، که انتقال آن‌ها پیام را خدشه‌دار خواهد کرد. هر ترجمه‌ای باید در حوزه ساختاری و بافت زبان بررسی و واکاوی می‌شوند. مشکلات ترجمه در حوزه ساختار نحوی قرآن را می‌توان به بی‌دقتی مترجم در معادل‌یابی برای ساختارهای نحوی زبان مبدأ که موجب برهم زدن تعادل ترجمه می‌شود نسبت داد. ترجمه متون حساسی هم‌چون قرآن کریم با روش تحت الفظی و آزاد قابل قبول نیست و مترجم باید سعی کند بهترین روش را برای ترجمه انتخاب کند تا یکسانی میان ساختارهای نحوی به وجود بیاید.

در صورتی که بخواهیم شیوه ترجمه مترجمان زبان روسی را مورد بررسی و دقت قرار دهیم، باید گفت که ترجمه کراچکفسکی به دلیل پایبندی زیاد وی به متن مبدأ نسبت به سایر ترجمه‌های بررسی شده برتری دارد. ترجمه پوروخووا سعی در انعکاس عناصر ادبی قرآن نموده است و برای این کار سعی کرده است ترجمه خود را به شعر نزدیک کند اما تنگناهای شعر موجب شده که دقت‌های زبانی لازم و اساس زبان‌شناختی مستقلی نداشته باشد. هم‌چنین عدم پایبندی مترجم به ترجمه لفظ به لفظ در هنگام نیاز، ترجمه ایشان شکل تفسیری نیز به خود گرفته بگیرد و همین امر منجر به رعایت نشدن ساختار مورد نظر متن مبدأ شده است. گروه ترجمه عثمانف اگرچه سعی در پایبندی به متن مبدأ نمودند اما گاهی از روش تفسیری بهره بردند که باعث شده است ساختارها را نادیده بگیرند. ترجمه کولیف بیشتر معطوف به

معنی است تا لفظ و سعی در انتقال معنا دارد و ساختارهای دستوری مورد بررسی را در ترجمه قربانی معنا کرده است. بازنویسی آیات کتاب مقدس بدون در نظر گرفتن ساختار و سبک مفهوم منتقل شده را دچار خلاء خواهد کرد. مترجمان متون حساسی هم‌چون قرآن باید سعی کنند هنگام ترجمه از هر گونه افراط و تقریط بپرهیزند تا تعادل معنایی و سبکی را در ترجمه خود داشته باشند.

مقایسه و تطبیق عناصر و ساختارهای زبانی و دستوری در ترجمه‌های متون مقدس یکی از مهم‌ترین گستره‌های بررسی می‌باشد که مورد توجه محققان است. بررسی کلیه ساختارهای دستوری به منظور کشف مشکلات و یافتن راه حل برای آن‌ها افق تازه‌ای را در عرصه پژوهش‌های آتی پژوهشگران می‌گشاید.

#### منابع

- A multimedia encyclopedia of holy Quran "Jame- al- tafasir Noor", moasese khadamate noor.
- Abbas, Hasan. (1428/2007). *Al-nahv Al-vafi*, volume 2, third edition, Egypt: Dar Al-maaref.
- Al-Suyuti Abd al-Rahman b. Abi Bakr. (1417/1997). *Al-nahja Al-marziya fi Shar Al-alfiya*, volume 1, first edition, Kum: Maktam Al-alam Al-eslami Publications.
- Azimpur Moghaddam, Azim. (1383/2005). *Ekhtelaf Tarjome Quran Karim( Elal va Avamel)*, Tehran: Mahrang Publications.
- Elahi Komshei, Mahdi. (1367/1989). *Translation of Holy Quran*, Tehran: Koran and Amir Kabir Publications.
- Ghoreishi, Shokooh. (1391/2013). *Moghayese va Tatbighe Sakhtare Gerameri dar Tarjomehaye Rusi Quran bar Mabnaye Surehaye (Al-baghare, Al-rahman, Vaghee, Hadid va Hashr)*, Tesis, Tehran: Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran.
- Hatam, Emadodin. (1377/ 1999). *Tarjome Quran Karim be Zabane Rusi az Sablukof ta Parakhova*, Tarjomane Vakhy № 4.
- Javaheri, Seyyed Mohammad Hossein. (1388/2010). *Textbook of Translation(Foundation, Principles and process of Holy Quran Translation)*, Kum:pajuheshgah hoze va daneshgah.
- Kruchkovski, I. U. (1963). *Quran (Perevod i Komentari)*.
- Kuliev, E. R. (2003). *Quran (Cmislovoy Perevod i Komentarii)*, Moscow: Umma Publications.

- Maarefat, Mohammad Hadi. (1380/2002). *Olum Qurani, Kum*: Moasese Farhangi Tahmid.
- Ojhigov, C. I., Shvedova, N. U. (1994). *Tolkovi Clovar Ruskovo Yazika*, Moscow: Az Publications.
- Osmanof, M. N. (1995). *Quran (Perevod c Arabski i Komentarii)*, Moscow.
- Pakatchi, Ahmed. (1377). Short report on the translation of the Holy Quran in Russian. *Interpreting Revelation*, No. 3, September 1377, pp. 76-102.
- Parakhova, I. V. (2007). *Quran (Perevod Smislov i Komentarii)*, Moscow: Ripol Klassik Publications.
- Radfar, Abol-kasim (1383). Bibliography of translations of Quran in foreign languages. Translator: A. Radfar. Tehran, capital of Iran, Islam and recognition. First Printing.
- Samadi, Hamid. (1390/ 2012). *Pajuheshi dar kalamate kelidi Quran*, Ahang ghalam Publications.
- Valgina, N. C., Rozentel, D. E., Fomina, M. I. (2001). *Sovremeni Ruski Yazik*, Moscow: Logos Publications.
- Zahrai, Hasan. (1382/ 2003). *Dasture Amuzeshe Zabane Rusi*, Tehran: Sazmane Motalee va Tadvine Kotob Olume Ensani Daneshgaha.

